



بیانات در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه السلام) - 9 / تیر / 1397

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خرسندم و خدا را سپاسگزارم که توفیق عنایت کرد یک بار دیگر در این جمع نورانی و امیدبخش، در این مرکز بسیار حسّاس و مهم حضور پیدا کنیم. این میدان، این نسل، این مجموعه‌ی جوان، یکی از جلوه‌های بالندگی و حیات کشور عزیز ما است. اساساً حیات یک ملت و بالندگی یک ملت، وابسته به این است که مؤلفه‌های قدرت و عناصر قدرت را در خود تقویت کند و آنها را در جای لازم و بهنگام، مورد بهره‌برداری و استفاده قرار بدهد. آنچه امروز در این میدان مشاهده میشود، یک نمونه از این اصل کلی است.

یک توضیحی در این زمینه باید عرض کنم؛ لکن قبل از توضیح در این باره، یک آیه‌ی قرآن را برای شما جوانان عزیزم مطرح میکنم؛ آن آیه‌ی شریفه در سوره‌ی آل عمران است؛ در ضمن آیاتی که در مورد دشمنان عنود اسلام و جامعه‌ی اسلامی است. چندین آیه است درباره‌ی دشمنان عنود و لبریز از بغض و کینه‌ی اسلام و مسلمین و پیامبر که آنها را بیان میکند. *قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفَى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ*؛ (۲) بعد از آنکه این خصوصیات را در مورد این دشمنان ذکر میکند - که این دشمنان، خصوصیاتشان منطبق است با خصوصیات همین دشمنانی که امروز شما دارید و ملت مسلمان ایران دارد و ایران اسلامی دارد که واقعا *«قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفَى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»*؛ یا *«إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ»*، (۳) اگر شما یک افتخاری به دست بیاورید، یک موفقیتی به دست بیاورید، آنها عمیقاً ناراحت میشوند - و بعد از آنکه این آیات ذکر میشود، در پایان، قرآن این جور میگوید، میفرماید که *«وَ إِنْ تَصَبَّرُوا وَ اتَّقُوا لَإِ يَضْرِبَنَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»*؛ (۴) این یک قانون - قانون آفرینش - است. صبر و تقوا موجب میشود که همین دشمن عنود، این کپسول زشت کینه و بغضاء، با همه‌ی توانایی‌هایی که برای خودش فراهم کرده، هیچ غلطی در مقابل شما نتواند بکند؛ *«لَا يَضْرِبَنَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»*؛ یعنی هیچ زبانی به شما نمیتواند برساند؛ به شرط چه؟ به شرط صبر و تقوا. من امروز این را میخواهم در این میدان پُر معنا و پُر مغز، به شما جوانان عزیز - که حقیقتاً نور چشم این ملتید - عرض بکنم. این درس فقط برای شما هم نیست؛ برای همه‌ی ملت است، برای همه‌ی سپاه است، برای همه‌ی نیروهای مسلح است، برای همه‌ی آحاد جامعه است، بخصوص برای مسئولان و مدیران جامعه‌ی اسلامی است؛ صبر و تقوا.

صبر یعنی چه؟ صبر یعنی در میدان باقی ماندن، از میدان بیرون نرفتن. بعضی از میدان میگریزند؛ بعضی نمیگریزند اما بتدریج از میدان کناره میگیرند؛ این خلاف صبر است. صبر یعنی پایداری کردن، در میدان ماندن، استقامت کردن. صبر یعنی چشم به هدفهای دور و به افقهای دور دوختن؛ چشم دوختن به هدفهای دور. گاهی انسان از یک موفقیت نقد خرسند میشود، خوشحال میشود، گاهی مغرور میشود، و خطرناک این است که قانع میشود؛ این خطرناک است؛ این موجب میشود که انسان در میدان باقی نماند. نه، هدف دور را نگاه کنید، قله را نگاه کنید؛ ببینید پیام حقیقی انقلاب و نظام اسلامی چیست و ملت ایران را و امت اسلامی را و در نهایت جامعه‌ی بشری را به سمت چه هدفی میخواهد حرکت بدهد؛ به آنجا نگاه کنید. حرکت انقلاب اسلامی یک چنین صبری را لازم دارد. شما نگاه کنید؛ در دوران صدر اسلام، در آن دهه‌های اول که سختی زیاد بود - بخصوص در دوران پیامبر



اعظم- صبر کردند، ایستادگی کردند، مقاومت کردند؛ نتیجه این شد که با وجود نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌هایی که برخلاف دستور حقیقی اسلام انجام گرفته بود، اما اوج تمدن بشر در قرن سوّم و چهارم هجری متعلق به ملت مسلمان و کشورهای اسلامی است. قضیه این جوری است؛ اگر صبر کردیم، افق‌های دور مال ما است؛ اگر شما امروز ایستادید، نسل‌های آینده به آن قله دست خواهند یافت. آنها به قله میرسند اما این هنر شما است، این کار شما است. البته من امیدوارم به توفیق الهی شما جوانهای امروز هم، نسل امروز هم، آن روز را مشاهده کنید و به توفیق الهی مشاهده خواهید کرد. انقلاب، ریشه‌دار است، آینده‌دار است و نیازمند استمرار است. این صبر.

و تقوا؛ تقوا با معنای گسترده‌ی خود در این آیه‌ی شریفه مورد توجه قرار گرفته است؛ هم به معنای عام تقوا است یعنی مراقبت از خود برای عدم انحراف از جاده‌ی مستقیم شریعت اسلامی - که در بسیاری از جاها به کار رفته است - هم به معنای پرهیز و مراقبت از خود در مقابل دشمن، به قرینه‌ی آیات قبل از این آیه که درباره‌ی دشمنان است. مراقب باشید؛ در مقابل دشمنید. انسان در میدان جنگ یک جور زندگی میکند؛ در هنگامی که جنگ نیست، جور دیگری زندگی میکند. انسان در سنگر یک جور می‌نشیند، یک جور استراحت میکند، یک جور می‌خواهد؛ در اتاق راحت داخل خانه‌ی خود یک جور دیگری می‌خواهد و زندگی میکند. بدانید در مقابل دشمنید؛ این را همه‌ی ما باید بدانیم. تقوا به این معنا است: مراقبت از خود در مقابله‌ی با دشمن، پرهیز از اعتماد به دشمن - به دشمن اعتماد نکنید - تقوا به این معنا است؛ به معنای مراقبت از حيله و مکر دشمن است؛ نه فقط به او اعتماد نکنید بلکه حتی ترفند او را هم بفهمید، بدانید چه کار دارد میکند، چه حيله‌ای به کار می‌زند؛ آماده باشید، مراقب باشید؛ حيله‌های دشمن هم فقط حيله‌ی نظامی نیست. و هم تقوا به معنای رعایت تدبیر [است]؛ پرهیز از کار خلاف قاعده و خلاف عقلانیت و پرهیز از سستی و سهل‌انگاری؛ این شد معنای آیه‌ی شریفه. اگر آن صبر و این تقوا را شما جوانان عزیز و مسئولان مسائل نظامی و امنیتی و اقتصادی و دیگران در درجه‌ی اول، و سایر مردم و عموم ملت ایران در درجه‌ی بعد، به کار ببندند، لا یضرّکم کیدُهُم شیئاً؛ (۵) هیچ ضربه‌ای، هیچ آزاری نمیتواند به شما برساند؛ و به توفیق الهی همین هم خواهد بود.

خب، برگردیم به آن مؤلفه‌های قدرت، عناصر قدرت. ببینید عزیزان من! ۵۷ سال تقریباً در دوران حکومت پهلوی‌ها، انگلیس و سپس آمریکا به معنای واقعی کلمه بر این کشور حاکمیت کردند؛ یعنی چه؟ یعنی شاه را آنها آوردند، آنها بردند؛ باز یک جا یک شاه دیگر آوردند؛ دولت‌ها طبق نظر آنها و رأی آنها در این کشور تشکیل شده؛ سیاست‌های مهم و عمده‌ی کشور طبق نظر انگلیس و آمریکا در این کشور برنامه‌ریزی شده؛ ۵۷ سال کشور این جوری اداره شده است، حالا قبل از آن هم در اواخر دوران قاجار، وضعیّت به شکل اسف‌بار دیگری، آن هم تحت تأثیر عوامل بدبختی‌زای دیگری بود. خب، یعنی ملت در این مدت هیچ‌کاره بودند، تماشاچی بودند؛ گاهی حتی تماشاچی هم نبودند! یعنی اگر از کسی از آحاد مردم میپرسیدیم نماینده‌ی شهر شما کیست نمیدانست، چون او انتخاب نکرده بود؛ به‌طریق‌اولی [اگر میپرسیدیم] فلان وزارتخانه مسئولش کیست نمیدانست؛ خیلی اوقات نخست‌وزیر را هم نمی‌شناختند؛ مردم هیچ‌کاره بودند، کنار بودند.

انقلاب که شد -حالا عوامل انقلاب، تحلیل و تفسیر طولانی‌ای دارد- این بند از دست‌وپای مردم برداشته شد، این زنجیر گسسته شد. مردم اسیر بودند، بی‌اختیار بودند، دیگران مسلط بودند؛ این سلطه از سر ملت ایران برداشته شد، ملت ایران طعم استقلال و آزادی را چشید. با حضور ملت ایران در میدانهای انقلاب و پیروزی این انقلاب، اعتمادبه‌نفس ملّی به وجود آمد؛ مردم ایران فهمیدند که کاره‌ای هستند، میتوانند در اوضاع کشورشان اثر بگذارند، آن



هم این جور اثری، و ریشه‌ی سلطنت به قول آنها ۲۵۰۰ ساله را از اعماق زمین یکنند، بیندازند در مزبله؛ مردم این را احساس کردند و این، اعتماد به نفس داد به ملت ایران. این اعتماد به نفس ملتی با نیروی ایمان همراه بود؛ ما مثل بعضی از کشورهای دیگری که انقلاب کردند، بی‌خدا، بی‌توکل، بی‌معنویت نبودیم که وسط راه بمانیم؛ ایمان، ما را نگه داشت، ما را حفظ کرد، ما را هدایت کرد، ما را پیش برد؛ این ایمان گوهر ذی‌قیمتی بود؛ روحی بود در کالبد این حرکت عمومی؛ روح امید را ایمان در ما زنده کرد؛ روح ایثار و فداکاری را ایمان در ما زنده کرد. اینکه یک مادری سه فرزند جوان خود را که مثل گل آنها را در آغوش خود پرورش داده به میدان جنگ بفرستد و جان آنها را در معرض خطر قرار بدهد و بعد هم افتخار بکند که این کار را کرده است، این جز با ایمان امکان‌پذیر نبود؛ آن جوانی که پیش فرماندهان، از زندگی راحت و آسوده‌ی خود با اصرار و التماس و گریه صرف‌نظر کند که او را ببرند به میدان جنگ، جز با ایمان امکان نداشت. ایمان، امید را، ایثار را، اقدام را در ملت برانگیخت، جوانها به حرکت درآمدند، سپاه درست شد، جهاد درست شد، بسیج درست شد، حرکت‌های عمومی درست شد، نیروهای مسلح جان تازه‌ای گرفتند، توانستند حضور حقیقی خودشان را وسط میدان نشان بدهند، مجموعه‌های خدماتی به وجود آمد، مجموعه‌های سازندگی به وجود آمد، مجموعه‌های علمی به وجود آمد، حرکت علمی در کشور آزاد شد و مردم، نخبگان، عناصر فعال و کوشنده، طعم استقلال و سربلندی و سرافرازی خودشان را چشیدند؛ اینها مؤلفه‌های اقتدار ملتی است؛ اقتدار ملتی یعنی این.

معنای اقتدار ملتی این نیست که انسان پولهای کشور را به یک کشور بیگانه بدهد و سلاح‌های مدرن او را بخرد و در انبار ذخیره کند که خودش حتی قادر نباشد بدرستی از آنها استفاده بکند؛ این حماقت است، این اقتدار نیست. اقتدار ملتی این نیست که یک کشوری از آن طرف دنیا بیاید برای حمایت از یک حکومتی و یک دولتی، در آنجا پایگاه بزند و حضور پیدا کند و خون ملت را بمکد و هر غلطی می‌خواهد در آن کشور بکند برای اینکه این خاندان منحوس را مثلاً در کشور حفظ کند؛ اینها اقتدار نیست، اینها ذلت است. اقتدار این است که یک ملتی از درون بجوشد؛ هم علم را، هم نظامیگری را، هم سازندگی را، هم پیشرفت را، هم عزت بین‌المللی را برای خود کسب کند. اینها مؤلفه‌های اقتدار ملت ایران است؛ این را شما امروز دارید، خوبش را هم دارید، ظرف پُرش را هم دارید به توفیق الهی؛ باید از این عناصر قدرت، بجا و بهنگام استفاده بشود.

سپاه یکی از مؤلفه‌های قدرت است؛ سپاه را روز به روز باید اعتلاء و کیفیت بخشید. گزارش‌های برادران را من میبینم و از آنها مطلع میشوم؛ کارهای خوبی دارد انجام میگیرد اما سپاه هنوز خیلی ظرفیت و خیلی میدان برای پیشروی دارد؛ این [کار] را چه کسی باید بکند؟ شما جوانها؛ این به عهده‌ی شما است؛ خودتان را آماده کنید برای پیشبرد سپاه، برای اینکه بتوانید این یک از مؤلفه‌های قدرت را پیش ببرید.

بعضی به ما میگویند «آقا، شما در تشریح و توصیف قدرت ملت ایران مبالغه نکنید»؛ من در جواب میگویم ما مبالغه نمیکنیم، ما واقعیت را میگوییم. بزرگ‌ترین دلیل برای اقتدار ملت ایران و قوت و قدرت ملت ایران، این است که چهل سال است که یکی از سفاک‌ترین و بی‌رحم‌ترین و رذل‌ترین قدرتهای دنیا یعنی آمریکا در مقابل ملت ایران مشغول کارشکنی و شرارت است و نتوانسته است به این ملت زبانی وارد کند و نتوانسته هیچ غلطی بکند و ملت ایران راه خودش را در پیش گرفته و پیش رفته و قوی‌تر شده؛ این نشانه‌ی قدرت ملت ایران است. اگر ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی مقتدر و قوی نبود، یک‌دهم تلاشی که دشمنان میکنند کافی بود که این ملت را مغلوب کند و نظام محبوبشان را از آنها بگیرد؛ نظام در مقابل آنها ایستاده، روز به روز هم قوی شده.



فقط هم آنها نبودند؛ در داخل کشور هم همین جور. من به شما عرض بکنم سه جریان معارض از روز اول انقلاب در مقابله‌ی با انقلاب اسلامی و حرکت امام بزرگوارمان پیدا شدند: یک جریان، جریان به اصطلاح لیبرال متمایل به غرب و آمریکا و دلبسته‌ی آمریکا و غرب بودند؛ یک جریان، کمونیست‌های اسلحه به دستی بودند که از هیچ چیز ابا نداشتند و پرهیز نمی‌کردند؛ یک جریان دیگر، منافقینی بودند با ظاهر اسلامی و باطن حُبث (۶) کفر و بی‌هویت که حتی حاضر شدند بروند زیر پرچم صدام بدانام سینه بزنند و آنجا بایستند و [از او] استفاده کنند. اینها سه جریان اساسی بودند در این کشور؛ هر سه جریان مغلوب و منکوب انقلاب اسلامی شدند و حالا با تملق به قدرتها، با خبرچینی و دادن خدمات جاسوسی به دولتهای امثال فرانسه و انگلیس و آمریکا و مانند اینها، در زیر سایه‌ی آنها استفاده میکنند. یک جریان هم البته جریان متحجر و مرتجع داخلی بود که آن هم به نوع دیگری در مقابل انقلاب و در مقابل حرکت انقلاب می‌ایستادند و مزاحمت میکردند که آنها البته خیلی قابل ذکر و قابل توجه نبودند و ملت از آنها عبور کرد؛ جریان مزاحم ارتجاع و تحجر و دین‌تراشی. جمهوری اسلامی به کمک ملت، با ابتکار و قدرت جوانان این ملت، توانست آن دشمنان خارجی و این دشمنان داخلی را به عقب‌نشینی وادار کند و آنها نه فقط نتوانند به جمهوری اسلامی آسیب برسانند بلکه نتوانند جلوی پیشرفت جمهوری اسلامی را بگیرند.

عزیزان من، جوانان من! امروز شما با جمهوری اسلامی‌ای مواجهید که نسبت به آن روزی که شماها در این جمهوری متولد شدید، زمین تا آسمان تفاوت کرده؛ حرکت، امکانات، توانایی‌ها، تجربه‌ها، کارکردها بمراتب پیشرفت کرده و بالا رفته و ان شاء الله معنویت هم در بین جوانان ما همین جور پیش خواهد رفت و قطعاً در یک جمع مهم و قابل اعتنائی، این معنویت وجود هم دارد.

یک دلیل بر قدرت جمهوری اسلامی، همین ائتلافهایی است که آمریکا در منطقه انجام میدهد. اگر آمریکا میتواند در مقابل جمهوری اسلامی کار مورد نظر خود را انجام بدهد، احتیاج نداشت با این کشورهای روسیه و بدنام مرتجع، در منطقه ائتلاف تشکیل بدهد و از آنها کمک بخواهد و برای ایجاد اغتشاش و ناآرامی و ناامنی از آنها کمک بگیرد؛ این نشان‌دهنده‌ی این [قدرت] است. البته دشمنی‌های آنها، دشمنی‌های آمریکا، روزبه‌روز بیشتر شده است، نفرت ملت ایران هم از آمریکا روزبه‌روز افزایش پیدا کرده است.

من به شما عرض کنم امروز برنامه‌ی دشمن، بعد از مایوس شدن از همه‌ی کارهای دیگر، ایجاد شکاف بین نظام جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران است. این حماقت آنها است؛ نمیدانند که نظام جمهوری اسلامی چیزی جز ملت ایران نیست، اینها قابل جدا شدن نیستند. نظام اسلامی یک نظام بوروکراتیک جدای از مردم نشسته‌ی در کاخها و قصرها نیست؛ نظامی است از خود مردم تشکیل یافته، متکی به آحاد مردم و به ایمان مردم و به محبت و عواطف مردم است؛ این نظام اسلامی است؛ این را چطور میخواهند از مردم جدا کنند؟ البته شش رئیس جمهور دیگر قبل از این شخص هم این تلاش را کردند و همه‌ی آنها از میدان خارج شدند و نتوانستند این مقصود شیطانی را انجام بدهند. این فشارهای اقتصادی [آنها] هم که عمدتاً روی مردم فشار می‌آورد، به‌خاطر این است که شاید بتوانند مردم را به ستوه بیاورند، خسته کنند. ما به حول و قوه‌ی الهی پیوندمان را روزبه‌روز با مردم بیشتر و قوی‌تر خواهیم کرد؛ ما انسجام دشمن‌شکن خودمان را حفظ میکنیم؛ ما جوانان مؤمن و پُرانگیزه و اهل اقدام را هر روز بیشتر از گذشته به حول و قوه‌ی الهی تقویت میکنیم. نسل جوان غیور و پُرانگیزه‌ی کشور بداند که دشمن، با استقلال او دشمن است، با عزت او دشمن است، با پیشرفت او دشمن است، با حضور او در میدان علم و سیاست دشمن است؛ دشمن ملت ایران، به‌معنای دشمنی با عزت و استقلال و پیشرفت و اعتلاء این ملت است. دشمن تا بتواند، مودیگری



را رها نخواهد کرد ولی بایستی این را یقین داشت که از این موزیگری نتیجه‌ای نخواهد گرفت، به شرط اینکه ملت ایران همچنان که تا امروز به توفیق الهی و به هدایت الهی راه را شناخته‌اند، از این به بعد هم همین راه را با قدرت ادامه بدهند، و آن راه ایستادگی و صبر و تقوا همراه با هوشیاری و تدبیر و انسجام ملتی است.

بعضی نسخه‌ی دیگری را تجویز میکنند، میگویند تسلیم بشویم تا دشمن علیه ما موزیگری نکند؛ اینها نمیدانند که هزینه‌ی تسلیم شدن بمراتب بیشتر از هزینه‌ی مقاومت کردن و ایستادگی کردن است. بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه‌ای داشته باشد، اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه برای ملت‌ها ارزش دارد؛ اما تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی‌هویتی شدن هیچ اثری ندارد؛ این را بایستی همه بدانند. این قانون لایتخلف پروردگار است که فرمود: *فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالُكُمْ*؛ (۷) سست نشوید، دعوت به سازش با دشمن نکنید، خدای متعال شما را برتر قرار داده است و برتر هستید «وَ لَنْ يَبْرِكُمْ» - یعنی «لَنْ يَنْقُصَكُمْ» - خدای متعال برای شما کم نمیگذارد در مقابل مجاهدتی که انجام داده‌اید، پاداش این مجاهدت را به‌طور کامل به شما خواهد داد.

یک نکته در آخر عرایض عرض بکنم. آنچه راجع به دشمن باید بدانیم، اجمالاً عرض شد، اما خود ما باید مراقب کار خودمان هم باشیم؛ همه‌ی ما! از کوچک تا بزرگ، از جوان تا پیر، از مردم معمولی تا مسئولین؛ و بخصوص مسئولین مراقب باشند از سهل‌انگاری، از غفلت، از تنبلی، از اشرافیگری، از تکبر نسبت به آحاد مردم و تکیه‌ی به جایگاه چندروزه‌ی ریاستی، اجتناب بکنند؛ اگر این [طور] شد، خدای متعال توفیقات خود را همچنان که تا امروز به شما ملت ایران مرحمت فرموده است، بعد از این [هم] عطا خواهد کرد. و آن روزی که ملت ایران بتواند در جایگاهی قرار بگیرد که دشمنان جرئت نکنند تهاجم نظامی و اقتصادی و امنیتی و سیاسی به او را حتی به مخیله‌ی خود تصور دهند، ان‌شاءالله دیر نخواهد بود و شما جوانان عزیز آن روز را به توفیق الهی خواهید دید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این مراسم - که در دانشگاه امام حسین (ع) برگزار شد - سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و سردار سرتیپ پاسدار علی فضلی (فرمانده دانشگاه) گزارشهایی ارائه کردند.
- ۲) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۱۸؛ «... دشمنی از لحن و سخنان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان نهان میدارد بزرگ‌تر است...»
- ۳) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۵۰
- ۴) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۲۰؛ «... و اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمایید، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمیرساند...»
- ۵) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۲۰
- ۶) بدخواهی، پلیدی
- ۷) سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۳۵